

زبان و هویت: تبیین رابطه زبان خارجی و هویت فردی، اجتماعی، فرهنگی و ملی

محسن نیازی¹

الهام شفافائی مقدم²

داوود خدمتکار³

تاریخ دریافت: 92/3/20 تاریخ پذیرش: 92/10/13

چکیده

در دهه‌های اخیر، زبان به عنوان هسته اصلی فرهنگ و مؤلفه کلیدی مؤثر در شکل‌دهی هویت مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. در این میان، نقش زبان خارجی بر هویت مورد تأکید بوده است. بر این مبنا، رویکردهای نظری مختلف چون دیدگاه ورف و سایپر، سوسور، برگر، لوکمان، باختین و دیگران بر نقش زبان بر هویت تأکید کرده‌اند. با توجه به این امر، هدف اساسی این مطالعه، چگونگی پیوند و رابطه یادگیری زبان خارجی بر وضعیت هویتی افراد در ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و فرهنگی در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از روش پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان و دانش‌پذیران گروه‌های زبان خارجی دانشگاه و مؤسسات آموزشی زبان شهر کاشان در سال 1391 می‌باشد که از این میان تعداد 180 نفر به عنوان نمونه تحقیق به روش تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق، رابطه مثبت بین تسلط بر زبان خارجی با هویت فردی ($r=0/237$) و رابطه منفی آن با هویت ملی ($r=0/173$) در سطح اطمینان 99 و 95 درصد را نشان می‌دهد. همچنین، وجود همبستگی مثبت بین میزان علاقه به زبان خارجی با میزان هویت اجتماعی و هویت فرهنگی به ترتیب برابر با $r=0/147$ و $r=0/200$ در سطح اطمینان 99 درصد مورد تأیید قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: زبان خارجی، علاقه به زبان، هویت اجتماعی، هویت ملی، هویت فرهنگی

1. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان (niazim@kashanu.ac.ir)
2. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان (e.shafaii@grad.kashanu.ac.ir)
3. کارشناس زبان انگلیسی (Davoodkhedmatkararani@yhoo.com)

مقدمه

از دیدگاه ورف و ساپیر، زبان هسته اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهد. در واقع، زبان، ابزار بنیادی برای فهم رفتار بشر است و با آن می‌توان دریافت که انسان‌ها، رویدادهای محیط زندگی‌شان را چگونه می‌نگرند و آن‌ها را چگونه تحلیل و توصیف می‌کنند. به همین جهت است که انسان‌شناسان فرهنگی با بررسی زبان در جوامع گوناگون، می‌توانند درباره فرهنگ یک قوم، شیوه‌های اندیشیدن و جهان‌بینی آن، دانش بیش‌تری به دست آورده و به تحلیل و توصیف مناسب‌تری بپردازند. به عبارت دیگر، با تحلیل زبان جامعه است که می‌توان اطلاعاتی درباره فرهنگ و طرز تفکر آن جامعه به دست آورد و تأثیر آن را بر زبان مشخص نمود (قرایی مقدم، 1382: 84). فرضیه نسبیّت زبانی در سال 1956 توسط ورف¹ ارایه شده است. او معتقد است که نوع مفاهیم و ادراک‌هایی که ما می‌توانیم داشته باشیم زیر نفوذ زبان یا زبان‌های خاصی است که ما به آن سخن می‌گوییم. از این رو مردمانی که به زبان‌های متفاوتی سخن می‌گویند، جهان را به گونه‌های متفاوتی ادراک می‌کنند. در واقع زبان می‌تواند تمایزهایی را که برای مردمان یک فرهنگ اهمیت دارد، منعکس کند (قرایی مقدم، 1382: 87).

از نظر سوسور، زبان، نظام نشانه‌هایی است که معنا یا افکار را بیان می‌کند (توسلی، 1371: 155). لوی / اشتراوس زبان را مهم‌ترین پدیده فرهنگی تلقی نموده است. از نظر وی، زبان‌شناسی قادر است روش‌های اساسی را جهت بررسی چگونگی ترکیب عوامل مختلف که موجب پیدایش نظام فرهنگی می‌شود، بیابد. زبان، به ویژه با آفرینش نظام معنایی قابل فهم در تعامل اجتماعی، مهم‌ترین ابزار ارتباطی به حساب می‌آید. به علاوه زبان فراگیرترین عنصر مشترک هویتی است که می‌تواند فارغ از بُعد جغرافیا و هم‌جواری سرزمینی، تا حد زیادی وجه نظرها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و انتقال این مجموعه در توالی نسل‌ها به عهده

1. whorf

بگیرد. بنابراین در میان عناصر هویتی، زبان در رتبهٔ اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار دارد.

از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر هویت در ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی علوم انسانی و اجتماعی مورد توجه صاحب‌نظران و دانشمندان قرار گرفته است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، هویت¹ را به معنی شخصیت یا وجود عینی افراد یا اشخاص آورده است (آکسفورد، 2001:643). کوشش برای یافتن معنا در زندگی اغلب معطوف به کسب هویت ثابت است. در منطق، در بررسی مفهوم هویت، پرسش از کیستی و چیستی فرد به میان می‌آید (مظفر، 1366:89). در خصوص معنی و ریشهٔ واژه هویت، نیکلسون معتقد است که هویت در اصل واژه‌ای عربی است و از مصدر جعلی «هو» که ضمیر مفرد غایب می‌باشد، گرفته شده است (نیکلسون، 1374:7).

اریکسون معتقد است «هویت» فرد را در فرایند معنا بخشی به خود و نیز پیدا کردن جایگاه خود در جهان نامحدود، آن هم در میان گسترهٔ وسیعی از ممکنات²، یاری می‌کند (شوارت³، 2005:3). جایگاه اصلی هویت به گونه‌ای است که «اگر اصل هویت از فکر بشر خارج شود، آن‌گاه بشر نسبت به هیچ چیز تصویری نخواهد داشت» (طباطبایی، بی‌تا:117). هگل⁴ معتقد است ذهن اجتماعی، خود جوهر مستقلی است و تنها یک ذهن وجود دارد، این ذهن مطلق دربرگیرندهٔ همه چیز و الهی است، چنین ذهنی خود را در سیر تاریخ مطرح می‌کند و افراد تنها عوامل آن هستند (آلپورت و جونز، 1371:91). استوارت هال⁵، با چشم‌اندازی هگلی، هویت را روندی در حال شدن می‌داند که به عنوان شناسنامه و نیز عاملی برای شناخته شدن محسوب می‌شود (هال، 1991:36).

در سال‌های اخیر، توجه به مجموعه عوامل جامعه‌شناختی مربوط به ماهیت زبان و کاربردهای آن به طور روزافزون افزایش یافته است. توجه به هویت و نحوه شکل‌گیری و انتقال آن از طریق زبان نیز بخشی از این روند تحقیقاتی است. به عبارت دیگر، پس از

1. Identity
2. Possibility
3. Schwart
4. Hegel
5. S. Hal

دوره‌های طولانی تفوق دیدگاه‌های ساختارگرایی و شناختی درباره ماهیت زبان، توجه به محیط اجتماعی، تعامل و مشارکت اجتماعی و پایگاه‌های اجتماعی و هویت اجتماعی بیش‌تر شده است و به زبان به عنوان پایگاهی برای شکل‌گیری هویت نگاه می‌شود. محققان بیش‌از پیش به دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در شناخت ماهیت زبان و نقش آن در فرهنگ و اجتماع، علاقه نشان می‌دهند. بررسی زبان به عنوان ابزار شکل‌گیری هویت، بخش مهمی از بحث مشارکت‌ها و تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود.

بدون شک، زبان یکی از کلیدی‌ترین عناصر شکل‌گیری هویت انسان‌هاست و تعامل زبان با مذهب، ملیت، نژاد، قومیت و جنسیت در عصر جهانی‌سازی و انقلاب اطلاعاتی هویت‌های قومی و فردی را بسیار متحول کرده است. پیدایش شیوه‌های بیان جدید مانند تلفیق اسپانیایی و انگلیسی¹ و یا ترکیب فارسی با انگلیسی² در دنیای حاضر، امری غیرقابل انکار است. علاوه بر این، در بسیاری از مناطق دنیا مردم آن‌قدر که به یادگیری زبان انگلیسی اهمیت می‌دهند، به یادگیری و حفظ زبان بومی خود اهمیت نمی‌دهند. البته، دخیل بودن زبان در شکل‌گیری هویت‌ها و فرهنگ‌ها محدود به زمان و مکان خاص نیست. در سراسر جهان، مردم جنبش‌هایی را شروع کرده‌اند تا از زبان ملی خود در برابر حملات همه‌جانبه زبان جهانی یعنی انگلیسی دفاع کنند (وارشوار³، 2003: 3).

مباحث نظری

در این بخش، ابتدا مفهوم هویت و ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، ملی و فردی آن مورد بحث قرار گرفته است. پس از آن، رویکردهای نظری پیرامون رابطه زبان و هویت ارائه گردیده و در پایان، به تحقیقات صورت گرفته در زمینه رابطه یادگیری زبان خارجی و یا زبان دوم بر هویت اشاره شده است.

1. Spanglish
2. Finglish & Pinglish
3. Warschauer

الف. هویت

واژهٔ هویت به دو معنای به ظاهر متناقض، شامل همسانی و یکنواختی مطلق و تمایز که دربرگیرندهٔ ثبات یا تداوم در طول زمان است، به کار می‌رود. گرچه دو معنای فوق متناقض و متضاد به نظر می‌آیند، ولی در اصل، به دو جنبهٔ اصلی و مکمل هویت معطوف هستند (گل محمدی، 2022:1381). از یک نظر، هویت فرایند پاسخ‌گویی آگاهانهٔ هر فرد به یک دسته پرسش‌ها در مورد خودش می‌باشد (باوند، 1377). برخی از اندیشمندان، هویت را با تأکید بر "وجه تشخص" تعریف کرده‌اند. بر این مبنا، «هویت مبین مجموعه خصایصی است که امکان تعریف صریح یک شیء یا یک شخص را فراهم می‌آورد» (شیخاوندی، 1380). برخی هویت را معناداری جامعه دانسته‌اند (رجایی، 1373). برخی دیگر از جامعه‌شناسان، هویت را به معنی هستی و وجود، چیزی که وسیلهٔ شناسایی فرد باشد تا او را از دیگران متمایز کند، تعریف می‌کنند (تاجیک، 1379). جاکوبسن معتقد است هویت به معنای احساس تمایز، تداوم و استقلال فردی است که طی آن شخص دریابد همانی است که بوده و دیگران نیستند (جاکوبسن¹، 1998:9).

با توسعهٔ تاریخی مفهوم هویت، دو نگرش متداول، اما متضاد برای چپستی و چگونگی هویت وجود دارد. در نگرش سنتی، به خصوص قبل از توسعهٔ صنعتی، هویت به عنوان ساختاری بر پایهٔ شناسایی منابع آشنا و تقسیم شده که شامل دسته‌های قومی، زبانی، مذهبی، تاریخی، لشگری، فرهنگی و سیاسی تعریف می‌شود. مفاهیم آشنایی و تقسیم در این تعریف هم‌چنین با معانی همانندی و تعلق و اتحاد در ارتباط هستند. از دید اجتماعی، کستلز (1997) تأکید می‌کند که هویت به عنوان منبعی از مفهوم و تجربه برای مردم از طریق خودساختاری و فردیت عمل می‌کند، به خصوص براساس ویژگی‌های فرهنگی در شرایطی که روابط قومی مشخص کننده است. در مجموع می‌تون گفت هویت‌ها به‌طور معمول با بازی قدرت، نمایش و اختلاف‌نظر تولید می‌شوند که یا نمی‌تواند به طور منفی به صورت محرومیت کنار گذاشته شود و یا به عنوان منبعی از گوناگونی، ناهمگنی و آمیختگی است.

1. Jacobson

با توجه به گستردگی مفهوم هویت، دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی ابعاد متعددی را در ارتباط با هویت ارایه نموده‌اند.

1. هویت فردی: روان‌شناسان و نظریه پردازان شخصیت، هویت را در درجه نخست امری فردی و شخصی می‌دانند. بیش‌تر این نظریه‌پردازان، هویت اجتماعی را انکار نمی‌کنند، بلکه این دو نوع هویت را متمایز و مستقل از یکدیگر قلمداد می‌کنند. از این دیدگاه، هویت عبارت از «احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی» است (گل‌محمدی، 222:1381 به نقل از جاکوبسن، 9:1998). هویت افراد در طی فرایند رشد، شکل می‌گیرد. این هویت در متن اجتماع و فرهنگی رشد می‌کند که فرد در آن جامعه‌پذیر شده است (لک، 117:1384). در واقع، هویت به معنی "چه کسی بودن"، از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به چیزی یا جایی نشأت می‌گیرد. این احساس نیاز به تعلق، نیازی ذاتی و اساسی است که در هر فرد وجود دارد (مجتهدزاده، 1377).

ویژگی مهم هویت، چند لایه بودن آن است؛ مانند منظومه شمسی که فرد به منزله مرکز منظومه و لایه‌های هویت چون مدارهای آن می‌باشند (ابوطالبی، 194:1379). برخورداری از هویتی منسجم سبب می‌شود تا فرد موضع واحدی را نسبت به وقایع و حوادث اطراف خود، با در دست داشتن معیارهای واحد، در پیش بگیرد (صنیع‌اجلال، 103:1384). هویت فردی در مجموع به نوعی آگاهی اطلاق می‌شود که هر فرد در فرایند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران درباره خود کسب می‌کند. این خودآگاهی به صورتی نسبتاً سازمان یافته به مثابه بخشی از نظام شخصیتی حایل و واسطه بین دنیای برونی و درونی فرد است و در هر حوزه یا میدان تعاملاتی، رابطه او را با خود و دیگران تنظیم و کنش‌هایش را تعدیل می‌کند (عبداللهی، 107:1374). گیدنز معتقد است «هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً به طور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش‌های تطمیع‌کننده نهادهای امروزیین مورد تنظیم و تجربه قرار داد» (گیدنز، 1378: 267).

2. هویت اجتماعی: از نظر کوهن (1985)، «هویت گروهی نوعاً در تعامل با دیگران و در عرض میان حدود و ثغور گروه ساخته می‌شود». در واقع، هویت اجتماعی یک بازی است

که در آن «رودررو بازی می‌شود» (جنکینز، 7:1381 به نقل از بون، 26:1982). در این مدل، افراد دارای یک هسته اولیه خود می‌باشند. ویژگی‌های ظاهری، ویژگی‌های روانی و میزان اعتماد به نفس از طریق تفسیر موفقیت‌آمیز فرد و از کنش خود، تفسیر موفقیت‌آمیز دیگران و توانایی ایفای نقش‌های گوناگون باعث ایجاد خودهای متعدد و انگیزه برای کنش بعدی می‌شود که در نهایت بر هویت اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارند (ایمان، 1381: 87 و 88). در واقع، هویت اجتماعی به رابطه بین خود و دیگران یا گروه‌های اجتماعی دیگر اشاره دارد (گیدنز، 1378). مقایسه میان خود با دیگران موجب می‌شود که به تفاوت‌های میان خود و آن‌ها یا تفاوت‌های گروه اجتماعی خویش و گروه اجتماعی دیگری واقف شده و هویتی منحصر به فرد و متمایز برای خویشتن قایل شویم (مرشدی‌زاده، 9:1379).

آگاهی فرد از اینکه عضوی از یک گروه یا جامعه است نخستین گام در تکوین هویت گروهی یا اجتماعی او به شمار می‌رود. می‌توان گفت هویت گروهی برای یک گروه به منزله شخصیت برای یک فرد است (شرفی، 109:1380). کاستلز معتقد است «اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنش‌گران اجتماعی باشد عبارت است از فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود» (کاستلز، 22:1380). هویت اجتماعی مهم‌ترین ویژگی هر ملت، فرهنگ، تاریخ و سرزمین مشترک است. کاربرد هویت در اساس هنگامی خود را نشان می‌دهد که منافع، موقعیت، آبرو و اعتبار و به طور کلی، جزیی از متعلقات و وابستگی‌های فرد، تهدید شده باشد (مهیمنی، 306:1379). کروکن و لوتانن (1992)، عقیده دارند که «احساس عزت نفس جمعی همگانی، عامل بسیار مهمی در نحوه شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی مردم هر کشور است» (بارت، 16:1381). براساس نظریه تاجفل¹، هویت اجتماعی افراد به وسیله گروهی که به آن تعلق دارد تعیین می‌شود و این هویت تابعی که ویژگی‌های فرهنگی آن گروه است، مبتنی بر تفسیر درون گروه و برون گروه می‌باشد (اسمیت²، 77:1993).

1. Tajfel
2. Smith

در مجموع می‌توان گفت هویت اجتماعی معرف آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد یا ضمیر "ما" خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می‌داند و در برابرش احساس تعهد و تکلیف می‌کند و بخشی از هویت او را تشکیل می‌دهد (عبدالهی، 1374:1).

3. هویت ملی: هویت ملی فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دایمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی خود است (باوند، 1377). هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است (صنیع اجلال، 1384:104). از دیدگاه چلبی (1378:31) «احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به اجتماع ملی یا مای ملی به افراد هویت جمعی می‌بخشد». به عبارت دیگر، هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارت از: «سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت» می‌باشند (یوسفی، 1380:17). هویت ملی هر فرد هم به صورت بخشی از کل هویت‌اش در رابطه با جامعه‌ای که بدان تعلق دارد و یا احساس می‌کند که تعلق دارد، شکل می‌گیرد (رواسانی، 1385:19). هر ملتی که از دیرباز در سرزمینی مشخص استقرار یافته باشد، طی تاریخ خود دارای مجموعه‌ای از علایق و ویژگی‌های منحصر به فرد شده که موجب تشخیص یافتن و تمایز آن از ملت‌های دیگر شده است و در تعریف خود و شناساندن خود به دیگران به چنین ویژگی‌هایی توسل می‌جوید. این ملت را می‌توان دارای هویت ملی دانست که از ترکیب تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده آن طی نسل‌های متوالی ایجاد شده است (ربانی، 1381:88). در مجموع می‌توان گفت هویت ملی مجموعه‌ای از ارزش‌های متعالی است که یک ملت در جریان تاریخ هستی خود، در سرزمین مشخص به جا گذاشته‌اند. بنابراین هویت ملی، آیینه تمام‌نمای چهره یک ملت است که از بودن، زیستن و ماندن آن در جغرافیای مشخص تاریخی بحث می‌کند (لک، 1385:113).

ب. زبان و هویت

زبان را بر پایه و مایه فرهنگ، تاریخ‌ساز و مهم‌ترین وسیله انتقال تجربیات، دانش و بینش بشری و ظرف ذخیره‌سازی اندیشه نسل‌های پیشین و فرهنگ نیاکان دانسته‌اند (فالک، 1373؛ کوزر، 1377:33). زبان عمده‌ترین ابزار یادگیری بشر در جریان کنش متقابل است و برخی آن را ابزار تفکر انسان تلقی کرده‌اند (باطنی، 1374:11-37؛ پیترگیل، 1376:69-102؛ و 161-215).

در دوران معاصر، سهم زبان در تکوین هویت جمعی انسان مورد مطالعه و توجه جدی دانشمندان قرار گرفته، به طوری که نظریات مختلفی را برانگیخته است. از عمده‌ترین ویژگی‌های زبان، تأثیر آن در ایجاد همبستگی گروهی است، هم‌چنین زبان را یکی از مؤلفه‌های سازنده شخصیت ملت شمرده‌اند (بیدگلی، 198:1376). گرچه برخی از صاحب‌نظران مغایر این عقیده می‌اندیشیند (کاتم، 26:1371)، لیکن هیچ یک سهم عمده زبان مشترک را در تشکیل، استقرار و تداوم حیات دولت-ملت‌های کنونی نادیده نگرفته‌اند. کسانی مانند هردر، مازینی و فردریک شومان زبان را در هویت‌بخشی سیاسی دارای نقش اول تلقی می‌کنند، ولی هابزباوم و بارکر برای آن نقش ثانوی قایل‌اند (عالم، 155:1373). با وجود این، همگان نقش زبان را در شکل‌گیری، ثبت و بیان تجربه جمعی و تکوین حافظه تاریخی ملت‌ها مورد تأکید قرار داده‌اند، زیرا زبان تنها یک وسیله خنثی در روابط متقابل انسان‌ها نیست، بلکه از بار فرهنگی و سیاسی به‌سزایی برخوردار می‌باشد (گیدنز، 207:1374).

زبان به عنوان نیروی انسجام‌دهنده¹ نقش ویژه‌ای در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی دارد، اما موفقیت زبان در حصول به این مقصود بستگی به جوهره خلاقیت و آفرینندگی فرهنگ و در عین حال سیالیت، پویایی و سازگاری و هماهنگی عناصر تشکیل‌دهنده آن دارد (گودرزی، 23:1384).

زبان علاوه بر آن که خود حاصل بار معنایی هویت است، از طریق آفرینش و انتقال نظام معنایی قابل فهم برای دیگران نیز به مثابه ظرف و کانال انتقال سایر عناصر هویتی نقش ایفا می‌کند، چنان که اغلب از طریق زبان و مجموعه پیوسته به آن است که ما نسبت به

1. Cohesive force

هویت تاریخی و تلاش نیاکان برای حفظ و حراست از هویت ملی و میهنی و سایر ارزش‌ها، اسطوره‌ها و آداب فرهنگی و اجتماعی که به ما رسیده است، آگاه می‌شویم. بنابراین، انسان به عنوان موجودی اجتماعی و خودآگاه، با استفاده از کارکرد اصلی زبان که ایجاد رابطه میان انسان‌هاست، اندیشه‌های خود را به طرف مقابل و یا به نسل‌های آینده منتقل می‌کند.

برگر و لوکمان¹ از جمله اندیشمندانی هستند که به نقش هویت‌بخشی زبان اشاره کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که زبان به سبب قابلیت‌اش در فراتر رفتن از زمان و مکان کنونی، حوزه‌های مختلف درون واقعیات زندگی را به هم پیوند می‌دهد، آن‌ها را در یک مجموعه معنی‌دار کلی، گرد می‌آورد و سبب تشکیل هویت ملی و خودآگاهی نسبت به آن می‌شود (برگر و لوکمان، 1375:8).

رابرت هال معتقد است که زبان در خلأ وجود ندارد، زبان در جامعه انسانی به منظور ایجاد ارتباط به کار برده می‌شود و بنابراین دارای معنی است (هال، بی تا: 131). زبان آیینی میراث فرهنگی، وسیله ارتباط ما با گذشته و تجسم چیزهایی است که هم انسانی و هم شریف است (نیومایر، 10:1378). در واقع، زبان و یادگیری آن، ضرورتی برای جامعه‌پذیری است. هر فرد، فرهنگ جامعه خود را از طریق رسانه زبان و سایر ارتباطات نمادین جذب و درونی می‌کند. بر این مبنا، فرهنگ‌پذیری مستلزم آشنایی با نمادهای فرهنگی و وقوف به اهمیت آن‌هاست، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نمادهای فرهنگی، کلمات است و درک معانی این نمادها، نقش بسیار مهمی در زندگی انسان ایفا می‌کند (علاقه‌بند، 1380:97).

مفهوم اختلاف نظر به عنوان جزء سازنده هویت، مکمل مهم و درک ساخت فرهنگی هویت‌ها می‌باشد و به زبان و اجرا مربوط شده است. از جمله اشاره به تجربه‌ها و سیستم‌های نمادین که در آن ایجاد هویت‌ها و مفهوم‌ها اتفاق می‌افتد. هال (1997) و وودوارد (1997) بحث می‌کنند که زبان به عنوان سیستم اجرایی عمل می‌کند و به ما کمک می‌کند تا مفهوم‌ها، احساسات و ایده‌های مان را به دیگر مردم انتقال دهیم. به این صورت است که زبان به عنوان یک مجموعه مشخص پاسخ‌های ممکن به این سؤالات را می‌دهد: من کیستم؟ به چه گروهی تعلق دارم؟ چه کسی می‌خواهم باشم؟ زبانی که به

عنوان مشخص کننده هویت استفاده می‌شود، نه تنها به زبان گفتار و نوشتار، بلکه شامل متن‌ها، تبلیغات، تصاویر دیداری که با دست ابزار تکنولوژیک تولید می‌شود و آهنگ‌ها، بازی‌ها، لباس‌ها، غذاها و... نیز می‌شود. برای مثال، در مورد مطالعه یک واکمن¹، دوگی²، هال، جینز³، مکی⁴ و نگس⁵ (1997) دامنه گستره‌ای از دست‌ساخته‌ها در ارتباط با تبلیغات سونی واکمن⁶ را بررسی نمودند تا بفهمند این محصول چگونه معرفی شده و چه کسی از چنین محصولی استفاده می‌کند. آن‌ها بیان می‌کنند که ویژگی‌های هویتی مربوط به آن شامل موارد جوان، تحرک، فعال و... هستند. این مطالعات نشان می‌دهد که ایجاد مفهوم از طریق اجرا بر پیشبرد هویت تأثیر دارد.

زبان بزرگ‌ترین منبع موجود اجتماعی کردن است. این به معنای این حقیقت بدیهی نیست که روابط اجتماعی بدون استفاده از زبان میسر نمی‌شود، بلکه به معنای این حقیقت است که یک صحبت مشترک به عنوان یک نشانه قدرتمند استحکام اجتماعی کسانی که زبان را صحبت می‌کنند عمل می‌کند (ساپیر⁷، 1949، 1933: 15-18).

اسموتس⁸ معتقد بود که زبان، هویت را به روش زیر نمود می‌دهد. اول، زبان دنیای تجربه را در قالب کلمات می‌ریزد. برخورد با زبان ما را به فراسوی تجربه سوق می‌دهد و ما را قادر به شکل‌دهی مفهومی از خود به جای "بودن" خود می‌سازد. این دیدگاه متعلق به قدیم است و به فیلسوف فرانسوی قرن 18، تاین بونت⁹ برمی‌گردد، کسی که اصل ذهن انسان را در انتقال علائم طبیعی (دود نشانه آتش، فریاد نشانه درد) به علائم مصنوعی زبان قرار داد و این امر افراد را مجبور به تحلیل و بررسی تجربه انسان نمود. هویت، مفهومی از پیش تعیین و تعریف شده نیست. در عوض هویت یک مفهوم اجتماعی است که در حین تعامل‌های اجتماعی توسط شرکت‌کنندگان در این تعامل‌ها و

1. Walkman
2. DuGay
3. Janes
4. Mackay
5. Negus
6. Sony Walkman
7. Sapir
8. Smuts
9. tiene Bonnet

مشارکت‌ها خلق می‌شود و به وجود می‌آید. نظریه‌های مربوط به مشارکت اجتماعی از اساسی‌ترین مبانی نظری مربوط به فهم هویت و شکل‌گیری آن به شمار می‌روند. بنابراین، تجزیه و تحلیل دقیق تعاملات و مشارکت اجتماعی از طریق زبان، جنبه‌های مهمی از نحوه شکل‌گیری هویت را آشکار خواهد کرد و بسته به نوع تعامل‌های اجتماعی نحوه شکل‌گیری هویت متفاوت خواهد بود.

از دیدگاه برخی از محققان، هویتی که از طریق زبان نوشتار شکل می‌گیرد و در اصطلاح تخصصی صدا¹ نامیده می‌شود مبتنی بر ایدئولوژی فردگرایی غربی است. بر این اساس، هریک از افراد انسانی دارای هویت و خودی درونی و در اصل خصوصی هستند که از طریق استفاده زبانی صدا به دنیای خارج و واقعی تعامل‌های اجتماعی راه می‌یابد. بر خلاف دیدگاه اخیر، نظرات و دیدگاه‌های متفاوت محققانی مانند باختین (1981)، فرکلاف (1992) آن است که هویت زبانی نه تنها شامل ابزار خود درونی، بلکه شامل ابزار روابط و شبکه‌های اجتماعی از طریق زبان می‌باشد. تحقیقات مربوط به انعکاس هویت از طریق زبان نوشتار پراکنده و در آغاز راه هستند. متسودا و تاردی (2007: 235) در تحقیقات خود دریافتند که هویت انعکاس یافته در زبان نوشتار نقش مهمی در نوشته‌های علمی ایفا می‌کنند و تعیین هویت نویسندگان مطالب توسط خوانندگان متبحر بخش اساسی ارزیابی آنان از زبان نوشتار است.

ج. پیشینه تحقیق

زبان، به‌طور عمقی در تاریخچه زندگی فردی و اجتماعی افراد ریشه دارد، ولی در عین حال نسبت به نژاد و قومیت از انعطاف بیش‌تری برخوردار است. این بدان معناست که، افراد می‌توانند آگاهانه و یا ناآگاهانه از طریق انتخاب اشکال مختلف زبانی حتی در درون یک جمله هویت چندگانه خود را بیان کنند. این پدیده در اصطلاح زبان‌شناسی تغییر کد نامبرده شده است (بلوم و کامپرز²، 1972). افراد با استفاده از هر یک از زبان‌هایی که به آن‌ها مسلط هستند و حتی با استفاده از اشکال مختلف یک زبان به‌طور دائم هویت خود را می‌سازند و از این طریق نشان می‌دهند که در واقع چه کسانی هستند. به عنوان مثال،

1. voice

2. Blom & Gumperz, Code.Switching

وقتی که دو دانشجوی ترک یا کرد بلافاصله بعد از اتمام کلاس درس‌شان که به زبان انگلیسی یا فارسی است و یا حتی گاهی در حین برگزاری کلاس به زبان یا لهجه خاص خود گفتگو می‌کنند، در واقع از این طریق بر هویت فردی، قومی و نژادی خود تأکید می‌کنند.

از دیدگاه هایمز¹ زمان مکالمه، مکان مکالمه، موقعیت مکالمه، هدف مکالمه، موضوع مکالمه، نوع روابط افراد مکالمه کننده و هویت افرادی که در یک مکالمه شرکت دارند، تأثیر به‌سزائی در انتخاب معانی، واژگان، ساختارها و نحوه بیان دارد. این‌گونه افراد هویت خویش را می‌سازند و از طریق زبان آن را عرضه می‌کنند (هایمز، 1975).

لامبرت² و گاردنر³ (1982) یادگیرندگان زبان خارجی در کانادا، آمریکا و فیلیپین را مورد بررسی قرار دادند تا نقشی را که نگرش و انگیزه در یادگیری زبان، بازی می‌کنند را مشخص کنند. آن‌ها براساس مطالعات خود یک دسته از نگرش‌ها را به دو نوع اصلی انگیزه ابزاری و ترکیبی تقسیم کردند. انگیزه ابزاری، اهداف کاربردی و ویژه برای یادگیری یک زبان را منعکس می‌کند. برای مثال، برای پیشرفت شغلی، تحصیلات در کشوری دیگر، امتحان مهمی را گذراندن و غیره. انگیزه ترکیبی وقتی رخ می‌دهد که یک یادگیرنده می‌خواهد خودش را با گروه فرهنگی زبان دوم ادغام کند تا جزئی از آن جامعه شود. لامبرت دریافت که انگیزه ترکیبی ارتباط بالایی با آوردن نمره بالا در آزمون بسندگی زبان دارد. نتیجه این بود که هدف درجه بالای انگیزه ترکیبی این است که نسبت به انگیزه ابزاری در آشنایی زبان دوم موفق‌تر باشد، اگر چه ممکن بود استثناهایی نیز وجود داشته باشد. طولی نکشید که دانشمندان دیگر یافته‌های متضادی را گزارش کردند. لوکمانی⁴ (1982) فراگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان هندی را که به زبان مرآت‌ی صحبت می‌کردند، مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که آن‌هایی که انگیزه ابزاری بیش‌تری داشتند در آزمون‌های مهارت زبان انگلیسی امتیازات بالاتری کسب کردند.

1. Hymes
2. Lambert
3. Gardner
4. Lukmany

بونئی نورتون¹ در یک سری از مقالات (1997)، تعدادی از نظریات را با نتایج مهم برای نظریه فراگیری زبان دوم گسترش داد (نورتون، 2000: 5). در یک مطالعه کیفی که به خوبی مفهوم‌سازی شده بود و شامل پنج مهاجر زن زبان‌آموز در کانادا است، نشان داد که هویت زبان‌آموز چگونه روی انگیزه و در نهایت یادگیری زبان دوم تأثیر می‌گذارد. طبق نظر بوردیو و پیرسون² سرمایه فرهنگی به دانش و طرزفکرهایی که طبقات و گروه‌های مختلف را در ارتباط با مجموعه‌های مشخص شکل‌های اجتماعی توصیف می‌کند، اشاره دارد (نورتون، 2000: 10). نورتون از اصطلاح سرمایه‌گذاری استفاده کرد تا تمایلات و انگیزه‌های مبهمی را توصیف کند که زبان‌آموزان ممکن است برای زبان مقصد داشته باشند. اگر زبان‌آموزان در یک زبان دوم سرمایه‌گذاری کنند، روی شناخت و درک آن نیز همین کار را انجام خواهند داد. این شناخت نشان می‌دهد که آن‌ها طیف گسترده‌ای از منابع سمبلیک و مادی را فرا خواهند گرفت که در عوض بر ارزش سرمایه فرهنگی‌شان افزوده خواهد شد.

موضوع زبان و هویت در سال‌های اخیر مورد توجه برخی از متخصصان زبان‌شناسی کاربردی جهان قرار گرفته است. پرسش مهم پژوهشی که می‌توان مطرح کرد این است که، آیا افرادی که در معرض زبان یک گروه یا فرد خاصی قرار می‌گیرند هویتی را که آن فرد یا گروه با استفاده از زبان‌شان ابراز می‌کند درک می‌کنند و اگر چنین است چگونه این کار را می‌کنند.

در اوایل 1970، هنری تاجفل (1919-82)، نظریه "هویت اجتماعی" را مطرح کرد، که طی سال‌هایی که به مرگ او انجامید این نظریه به عنوان تنها مدل مؤثر در بررسی هویت زبان‌شناختی به شمار می‌رفت. تاجفل، هویت اجتماعی را قسمتی از مفهوم فردی هر شخص عنوان کرد که ناشی از مشارکت او در یک گروه (یا گروه‌ها) و ارزش‌ها و معانی است که به عضویت در آن گروه مرتبط می‌شود.

در دهه 1960، تلاش‌هایی برای ادغام هویت اجتماعی و زبان‌شناسی اجتماعی انجام شد. در این دوره دو شخصیت، یکی در آمریکا و دیگری در بریتانیا مسیر خود را به سمت

1. Bonny Norton
2. Passeron

بررسی‌هایی بر پایهٔ هویت، در حوزهٔ جوامع دو زبانی یا دو لهجه‌ای دنبال می‌کردند. اولی جان. جی گامپرتز، یک متخصص زبان‌های شمال هندوستان بود که با *دل‌هایم* در انتشار تئوری قوم‌نگاری جمعیت‌ها همکاری کرده بود. کتاب *زبان و هویت اجتماعی* که در سال 1982، به وسیلهٔ گامپرتز نوشته شد گوشه‌ای از تاریخ این ماجرا را منعکس می‌کند. بر این اساس، تحولات زبانی، ابزار دست ما انسان‌ها به شمار می‌روند. «ما از طریق تحولات زبان، موجودیت اجتماعی و هویت اجتماعی خود را می‌سازیم و نشان می‌دهیم که چه کسانی هستیم و چه کسانی نیستیم و چه کسانی نمی‌خواهیم باشیم» (لیپی گرین¹، 1997: 63). علاوه بر آن، در عصر حاضر، که عصر جهانی شدن نیز نام گرفته است «شکل‌گیری هویت‌ها و روابط اجتماعی در چارچوب محتوای گفتمانی و فرهنگی خاصی اتفاق می‌افتد که در ورای مرزها و محدودیت‌ها، به‌صورت سیال ایجاد شده است (لام²، 2004: 45).

شاید بتوان ادعا کرد که در ایران به اندازه بسیاری از کشورهای دیگر دنیا دو زبانی هنوز هم به‌طور کامل رشد نیافته است. ولی در بیش‌تر مناطق جهان، توانایی کامل استفاده از دو یا چند زبان توسط مردم بیش‌تر قانون به شمار می‌رود تا استثناء. در این گونه موارد «انتخاب یکی از زبان‌ها در مراودات اجتماعی نمادی از روابط قومی نیز تلقی می‌شود» (هلر³، 1982: 308).

با توجه به مباحث ارایه شده، فرضیه‌های ذیل در این تحقیق تدوین و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

- بین مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی و میزان هویت اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.
- بین مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی و میزان هویت فرهنگی افراد رابطه وجود دارد.
- بین مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی و میزان هویت ملی افراد رابطه وجود دارد.
- بین مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی و میزان هویت فردی افراد رابطه وجود دارد.

1. Lippi Green
2. Lam
3. Heller

روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی¹ بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری شده است. در این پژوهش، برای سنجش هر یک از متغیرهای اصلی پژوهش از گویه‌های مربوطه در قالب طیف لیکرت استفاده گردیده است. پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق، با استفاده از برنامه رایانه‌ای spss و فعالیت‌های آماری مربوطه، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

تعریف متغیرها

در این بخش، شاخص‌های سنجش متغیرهای اصلی تحقیق معرفی شده است.

هویت اجتماعی: هویت اجتماعی معرف آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد یا ضمیر "ما" خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می‌داند و در برابرش احساس تعهد و تکلیف می‌کند و بخشی از هویت او را تشکیل می‌دهد (عبداللهی، 1374:1). در این مطالعه برای سنجش میزان هویت اجتماعی پاسخ‌گویان با استفاده از پژوهش **جوادی یگانه و عزیززی (201:1387)** از 5 گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

هویت فرهنگی: هویت فرهنگی مشرف بر تمامی هویت‌هاست و با آن‌ها در ارتباط متقابل قرار دارد. برآیند هویت‌های افراد در مقیاس جمعی، به اضافه آموزش، جامعه‌پذیری و آداب و رسوم آنان هویت فرهنگی را شکل می‌دهد که در زمینه‌های مختلف فردی، سیاسی و اجتماعی متجلی می‌شود (علیخانی، 1386 به نقل از حسینی انجدانی، 1388). در این تحقیق برای سنجش میزان هویت فرهنگی دانشجویان با استفاده از پژوهش **جوادی یگانه و عزیززی (201:1387)** و مطالعه سفیری و غفوری (10:1388) از 6 گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

هویت ملی: هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است (صنیع اجلال، 104:1384). در این تحقیق برای سنجش هویت ملی

1. Social survey

پاسخ‌گویان با استفاده از پژوهش آزاد/ارمکی و غفاری (1383:94)، از 9 گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

هویت فردی: هویت فردی به نوعی آگاهی اطلاق می‌شود که هر فرد در فرایند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران درباره خود کسب می‌کند. این خودآگاهی به صورتی نسبتاً سازمان یافته به مثابه بخشی از نظام شخصیتی حایل و واسطه بین دنیای برونی و درونی فرد است و در هر حوزه یا میدان تعاملاتی، رابطه او را با خود و دیگران تنظیم و کنش‌هایش را تعدیل می‌کند (عبداللهی، 1374:107). در این پژوهش برای سنجش هویت فردی پاسخ‌گویان از 10 گویه (بورک، 1999:837) در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

تسلط به زبان خارجی: در این پژوهش، میزان تسلط به زبان خارجی به عنوان متغیر مستقل با مؤلفه‌های سطح پاسخگو در زبان خارجی، مهارت در خواندن و درک مفاهیم متون خارجی، مهارت در صحبت کردن به زبان خارجی، مهارت در نوشتن زبان خارجی، مهارت در گوش دادن و درک مفاهیم زبان خارجی و مهارت در بحث‌های نظری زبان خارجی (قواعد و گرامر) مورد بررسی قرار گرفته است.

احساس نیاز به زبان خارجی: در این تحقیق میزان احساس نیاز پاسخ‌گویان به زبان خارجی با استفاده از مؤلفه‌های نیاز به زبان خارجی برای آموختن علم، پیشرفت در کار، افزایش سواد، فهم اندیشه‌های جهانی، بالا رفتن افق دید انسان، ایجاد ارتباط با سایر ملتها مورد بررسی قرار گرفته است.

استفاده ابزاری از زبان خارجی: این متغیر به عنوان یکی از متغیرهای مستقل تحقیق با مؤلفه‌های مجبور بودن به یادگیری زبان برای اخذ مدرک و اشتغال، افزایش حقوق، خرید کالا، استفاده هر چه بیشتر از اینترنت، عضویت در جامعه جهانی، استفاده در آینده و کسب موقعیت اجتماعی بالاتر مورد بررسی قرار گرفته است.

تلاش برای یادگیری زبان خارجی: جهت سنجش میزان تلاش پاسخ‌گویان برای یادگیری زبان خارجی از مؤلفه‌های صحبت کردن با همکلاسی‌های کلاس زبان، صحبت به زبان خارجی با اساتید زبان در خارج از کلاس، به کار بردن واژگان خارجی در خانواده و

محیط کار، پیگیری واژگان زبان خارجی روزمره در تبلیغات شهری، زمزمه کردن مفاهیم زبان خارجی و استفاده از روزنامه و اخبار خارجی استفاده گردیده است.

علاقه به زبان خارجی: در این پژوهش برای سنجش میزان علاقه پاسخ‌گویان به زبان خارجی از 4 مؤلفه در زمینه احساس مفید بودن زبان خارجی و میزان دوست داشتن زبان خارجی استفاده شده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان و دانش‌پذیران گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات انگلیسی و زبان و ادبیات عرب دانشگاه کاشان و مؤسسات آموزشی زبان در سطح شهر کاشان در سال 1391 می‌باشد. با استفاده از روش تصادفی تعداد 180 نفر از آنان به عنوان حجم نمونه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق توصیف شده و پس از آن به تجزیه و تحلیل رابطه بین متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

الف. توصیف یافته‌ها

در این قسمت، مشخصات فردی پاسخ‌گویان ارایه و متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق مورد توصیف قرار گرفته است.

1. مشخصات فردی

براساس یافته‌های تحقیق، 25 درصد از پاسخ‌گویان مرد و 75 درصد زن می‌باشند. 5/8 درصد از پاسخ‌گویان در گروه سنی کم‌تر از 20 سال، 86 درصد در گروه سنی 20-25 سال، 7 درصد 26-30 سال و 1/2 درصد بالاتر از 30 سال می‌باشد. 75/9 درصد از پاسخ‌گویان مجرد و 24/1 درصد متأهل می‌باشند. براساس یافته‌های پژوهش، بیش‌ترین میزان تحصیلات مربوط به تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس بوده است (92/2 درصد)، سطح تحصیلات 5/2 درصد از پاسخ‌گویان سیکل و دیپلم و 6/2 درصد بالاتر از لیسانس می‌باشد. بررسی وضع پاسخ‌گویان به لحاظ رشته تحصیلی نشان می‌دهد 24/7 درصد ادبیات

انگلیسی، 48/2 درصد مترجمی انگلیسی، 25/9 درصد زبان و ادبیات عرب و 1/2 درصد آموزش زبان انگلیسی می‌باشند.

2. زبان خارجی

در این تحقیق، متغیرهای میزان تسلط به زبان خارجی، میزان احساس نیاز به زبان خارجی، میزان استفاده ابزاری از زبان خارجی، میزان تلاش برای یادگیری زبان خارجی و میزان علاقه به زبان خارجی به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. در جداول زیر یافته‌های پژوهش در این ارتباط ارائه شده است.

جدول شماره 1. توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل پژوهش

شاخص	کرانه پایین	کرانه بالا	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تسلط به زبان خارجی	8	21	13	14/52	3/08	0/139	-0/19
احساس نیاز به زبان خارجی	8	18	10	16/06	2/31	-1/22	0/89
استفاده ابزاری از زبان خارجی	16	36	20	25/60	3/98	0/088	-0/127
تلاش برای یادگیری زبان خارجی	6	18	12	12/17	2/50	0/22	-0/08
علاقه به زبان خارجی	6	12	6	10/98	1/34	-1/27	1/16

با تقسیم دامنه تغییر هر یک از متغیرهای فوق در جامعه آماری و تقسیم آن به عدد سه با فواصل برابر، جدول زیر به دست آمده است.

جدول شماره 2. توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان بر مبنای متغیرهای مستقل تحقیق

میزان زبان	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تسلط به زبان خارجی	46	25/6	104	57/8	30	16/7
احساس نیاز به زبان خارجی	20	11/1	38	21/1	122	67/8
استفاده ابزاری از زبان خارجی	36	20	104	57/8	40	22/2

16/7	30	57/8	104	25/6	46	تلاش برای یادگیری زبان خارجی
54/4	98	32/2	58	13/3	24	علاقه به زبان خارجی

براساس یافته‌های جدول بالا، میزان تسلط 25/6 درصد از پاسخ‌گویان به زبان خارجی در حد کم، 57/8 درصد در حد متوسط و 16/7 درصد در حد زیاد می‌باشند. احساس نیاز به زبان خارجی در بین 11/1 درصد از آنان در حد کم، 21/1 درصد در حد متوسط و 67/8 درصد در حد زیاد می‌باشد.

هم‌چنین، استفاده‌ی ابزاری از زبان خارجی در بین 20 درصد از پاسخ‌گویان در حد کم، 57/8 درصد در حد متوسط و 22/2 درصد در حد زیاد می‌باشد. میزان تلاش 25/6 درصد از آنان برای یادگیری زبان خارجی در حد کم، 57/8 درصد در حد متوسط و 16/7 درصد در حد زیاد بوده و بر این مبنای، 13/3 درصد در حد کم به زبان خارجی علاقه دارند، این میزان در بین 32/2 درصد از پاسخ‌گویان در حد متوسط و در بین 54/4 درصد از آنان در حد زیاد بوده است.

3. هویت

در این بخش، یافته‌های تحقیق در ارتباط با هر یک از ابعاد هویت اجتماعی، هویت فرهنگی، هویت ملی و هویت فردی پاسخ‌گویان ارائه گردیده است.

جدول شماره 3. توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل پژوهش

شاخص	کرانه پایین	کرانه بالا	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
هویت اجتماعی	7	15	8	12/68	1/90	-0/81	0/42
هویت فرهنگی	6	18	12	15/13	2/07	-1/55	3/40
هویت ملی	14	30	16	25/73	4/20	-1/15	0/48
هویت فردی	10	26	16	20/67	3/26	-0/529	0/67

با تقسیم دامنه تغییر هر یک از متغیرهای فوق در جامعه آماری و تقسیم آن به عدد سه با فواصل برابر، جدول زیر به دست آمده است.

جدول شماره 4. توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان بر مبنای متغیرهای مستقل تحقیق

میزان هویت	پایین		متوسط		بالا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد

34/4	62	50/0	90	15/6	28	هویت اجتماعی
56/7	102	32/2	58	11/1	20	هویت فرهنگی
72/2	130	18/9	34	8/9	16	هویت ملی
30/0	54	46/7	84	23/3	42	هویت فردی

یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که میزان هویت اجتماعی در بین 15/6 درصد از پاسخ‌گویان در سطح پایین، 50 درصد متوسط و 34/4 درصد در سطح بالا می‌باشد. میزان برخورداری 11/1 درصد پاسخ‌گویان از هویت فرهنگی در سطح پایین، 32/2 درصد متوسط و 56/7 درصد در سطح بالا می‌باشد.

هم‌چنین، میزان هویت ملی 8/9 درصد از پاسخ‌گویان در سطح پایین، 18/9 درصد متوسط و 72/2 درصد در سطح بالا بوده و 23/3 درصد از آنان از میزان هویت فردی در سطح کم، 46/7 درصد متوسط و 30 درصد در سطح بالا برخوردار بوده‌اند.

ب. یافته‌های تحلیلی

در این بخش، با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل دو متغیره، رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق شامل میزان تسلط به زبان خارجی، میزان احساس نیاز به زبان خارجی، میزان استفاده ابزاری از زبان خارجی، میزان تلاش برای یادگیری زبان خارجی و میزان علاقه به زبان خارجی با میزان هویت پاسخ‌گویان در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، ملی و فردی به عنوان متغیر وابسته تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. در جداول زیر یافته‌های تحقیق و نتایج فعالیت‌های آماری مربوطه در ارتباط با رابطه بین متغیرهای بالا ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره 5. رابطه بین متغیرهای مستقل و هویت اجتماعی و فرهنگی پاسخ‌گویان

هویت فرهنگی			هویت اجتماعی			موارد	
بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین		
60/9	30/4	8/7	34/8	60/9	4/3	کم	تسلط به زبان خارجی
59/6	32/7	7/7	34/6	48/1	17/3	متوسط	
40/0	33/3	26/7	33/3	40/0	26/7	زیاد	
56/7	32/2	11/1	34/4	50/0	15/6	جمع	
sig=402.0 r=-063.0			sig=135.0 r=-112.0			آماره	
40/0	40/0	20/0	30/0	50/0	20/0	کم	حساس نیاز به زبان خارجی
63/2	26/3	10/5	31/6	57/9	10/5	متوسط	
57/4	32/8	9/8	36/1	47/5	16/4	زیاد	
56/7	32/2	11/1	34/4	50/0	15/6	جمع	
sig=859.0 r=-013.0			sig=383.0 r=-065.0			آماره	
33/3	44/4	22/2	33/3	50/0	16/7	کم	زبان خارجی استفاده ابزاری از
57/7	32/7	9/6	32/7	51/9	15/4	متوسط	
75/0	20/0	5/0	40/0	45/0	15/0	زیاد	
56/7	32/2	11/1	34/4	50/0	15/6	جمع	
sig=000.0 r=286.0			sig=969.0 r=-003.0			آماره	
52/2	34/8	13/0	26/1	520/2	21/7	کم	یادگیری زبان تلاش برای خارجی
55/8	34/6	9/6	30/8	55/8	13/5	متوسط	
66/7	20/0	13/3	60/0	26/7	13/3	زیاد	
56/7	32/2	11/1	34/4	50/0	15/6	جمع	
sig=155.0 r=107.0			sig=001.0 r=241.0			آماره	
66/7	8/3	25/0	8/3	58/3	33/3	کم	علاقه به زبان خارجی
51/7	31/0	17/2	34/5	58/6	6/9	متوسط	
57/1	38/8	4/1	40/8	42/9	16/3	زیاد	
56/7	32/2	11/1	34/4	50/0	15/6	جمع	
sig=007.0 r=200.0			sig=05.0 r=147.0			آماره	

جدول شماره 6: رابطه بین متغیرهای مستقل و هویت ملی و فردی پاسخ‌گویان

هویت فردی			هویت ملی			موارد	
بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین		
17/4	56/5	26/1	78/3	13/0	8/7	کم	تسلط به زبان
30/8	44/2	25/0	75/0	21/2	3/8	متوسط	
46/7	40/0	13/3	53/3	20/0	26/7	زیاد	
30/0	46/7	23/3	72/2	18/9	8/9	جمع	
sig=001.0 r=237.0			sig=020.0 r=-173.0			آماره	
30/0	20/0	50/0	70/0	30/0	0/0	کم	خارجی نیاز به زبان
5/3	68/4	26/3	68/4	21/1	10/5	متوسط	
37/7	44/3	18/0	73/8	16/4	9/8	زیاد	
30/0	46/7	23/3	72/2	18/9	8/9	جمع	
sig=002.0 r=227.0			sig=659.0 r=-033.0			آماره	
33/3	50/0	16/7	77/8	16/7	5/6	کم	زبان استفاده ابزاری از
26/9	53/8	19/2	69/2	19/2	11/5	متوسط	
35/0	25/0	40/0	75/0	20/0	5/0	زیاد	
30/0	46/7	23/3	72/2	18/9	8/9	جمع	
sig=008.0 r=-196.0			sig=977.0 r=002.0			آماره	
8/7	56/5	34/8	69/6	17/4	13/0	کم	زبان خارجی تلاش برای یادگیری
32/7	48/1	19/2	73/1	21/2	5/8	متوسط	
53/3	26/7	20/0	73/3	13/3	13/3	زیاد	
30/0	46/7	23/3	72/2	18/9	8/9	جمع	
sig=001.0 r=252.0			sig=662.0 r=033.0			آماره	
16/7	66/7	16/7	66/7	25/0	8/3	کم	خارجی علاقه به زبان
31/0	44/8	24/1	69/0	20/7	10/3	متوسط	
32/7	42/9	24/5	75/5	16/3	8/2	زیاد	
30/0	46/7	23/3	72/2	18/9	8/9	جمع	
sig=443.0 r=058.0			sig=667.0 r=032.0			آماره	

در جدول‌های شماره 5 و 6 رابطه بین هر یک از مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی با انواع هویت اجتماعی، فرهنگی، ملی و فردی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق در ارتباط با رابطه بین میزان تسلط به زبان خارجی و انواع هویت، رابطه خاصی بین میزان تسلط بر زبان خارجی با هر یک از انواع هویت اجتماعی و هویت فرهنگی را نشان نمی‌دهد. در این میان، نتایج تحقیق و فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطه بین میزان تسلط بر زبان خارجی و هویت فردی پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد. براساس یافته‌های جدول‌های یادشده، با افزایش میزان تسلط بر زبان خارجی بر میزان هویت فردی در حد بالا افزوده و در مقابل از میزان هویت فردی در حد پایین کاسته شده است. نتایج آزمون پیرسون برابر با $r=0/237$ در سطح اطمینان 99 درصد مؤید رابطه دو متغیر بالا از نظر آماری می‌باشد. بدین ترتیب، افزایش میزان تسلط بر زبان خارجی منجر به افزایش آگاهی و احساس توانمندی و در مجموع افزایش میزان هویت فردی افراد گردیده است.

برخلاف وجود همبستگی مثبت بین میزان تسلط بر زبان خارجی و میزان هویت فردی، نتایج تحقیق بر وجود رابطه منفی و معکوس بین میزان تسلط بر زبان خارجی و هویت ملی افراد دلالت دارد. بدین ترتیب، هم‌چنان‌که یافته‌های جدول مربوطه نشان می‌دهد، با افزایش میزان تسلط بر زبان خارجی، میزان هویت ملی در حد بالای پاسخ‌گویان کاهش یافته است. ضریب همبستگی پیرسون برابر با $r=-0/175$ در سطح اطمینان 95 درصد وجود همبستگی منفی و معکوس بین دو متغیر بالا را مورد تأیید قرار داده است. بر این مبناء، میزان تسلط بر زبان خارجی، امکان مقایسه بین فرهنگی را افزایش داده و آشنایی و علاقمندی به فرهنگ دیگران به کاهش هویت ملی منجر گردیده است.

در بررسی رابطه بین مؤلفه احساس نیاز به زبان خارجی و میزان هر یک از انواع هویت، یافته‌های تحقیق و نتایج فعالیت آماری مربوطه رابطه خاصی بین احساس نیاز به زبان خارجی با انواع هویت اجتماعی، فرهنگی و ملی را نشان نداده است. در این میان، تنها رابطه بین احساس نیاز به زبان خارجی و هویت فردی افراد مورد تأیید قرار گرفته است. بر این مبناء، با افزایش احساس نیاز به زبان خارجی شاهد افزایش میزان هویت فردی پاسخ‌گویان می‌باشیم. هم‌چنین، ضریب همبستگی پیرسون برابر با $r=0/227$ در سطح اطمینان 95 درصد مؤید رابطه دو متغیر بالا از نظر آماری می‌باشد.

علاوه بر آن، در این تحقیق رابطه بین میزان استفاده ابزاری از زبان خارجی شامل مجبور بودن به یادگیری زبان برای اخذ مدرک، اشتغال، استفاده از اینترنت و کسب موقعیت اجتماعی بالاتر با انواع هویت مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان، نتایج تحقیق رابطه بین میزان استفاده ابزاری از زبان خارجی با میزان هویت فردی و هویت فرهنگی را نشان داده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با هویت فرهنگی برابر با $r=0/286$ در سطح اطمینان 99 درصد حاکی از وجود رابطه مثبت بین دو متغیر فوق می‌باشد. بر این مبنا، استفاده ابزاری از زبان خارجی و یادگیری اجباری آن جهت استفاده از اینترنت و تحرک اجتماعی به ارتقاء هویت فرهنگی فرد منجر شده است. برخلاف رابطه مثبت دو متغیر بالا، نتایج ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با رابطه میزان استفاده ابزاری از زبان خارجی و میزان هویت فردی افراد برابر با $r=-0/196$ در سطح اطمینان 95 درصد حاکی از همبستگی منفی و معکوس دو متغیر می‌باشد. بنابراین، با افزایش میزان استفاده و یادگیری اجباری زبان خارجی شاهد افت هویت فردی افراد می‌باشیم.

از سوی دیگر، نتایج تحقیق در ارتباط با رابطه میزان تلاش افراد برای یادگیری زبان خارجی با هر یک از انواع هویت بیانگر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار میزان تلاش برای یادگیری زبان خارجی با میزان هویت اجتماعی و فردی می‌باشد. در نهایت، نتایج تحقیق در ارتباط با رابطه بین میزان گرایش و علاقه‌مندی به زبان خارجی با هر یک از انواع هویت، وجود همبستگی بین میزان علاقه به زبان خارجی با هویت اجتماعی و فرهنگی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ارقام و درصدهای جدول نشان می‌دهد میزان هویت اجتماعی در حد بالا در بین افراد با میزان علاقه‌مندی در حد کم به زبان خارجی به میزان $8/3$ درصد بوده است. با افزایش میزان علاقه به زبان خارجی شاهد افزایش میزان هویت اجتماعی در حد بالا در بین پاسخ‌گویان می‌باشیم. به گونه‌ای که این میزان در بین افراد با علاقه متوسط و زیاد به ترتیب به $34/5$ و $40/8$ درصد افزایش یافته است. نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون برابر با $r=0/147$ در سطح اطمینان 95 درصد مؤید رابطه دو متغیر بالا از نظر آماری می‌باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق در ارتباط با رابطه بین زبان خارجی و هویت فردی، اجتماعی، ملی و فرهنگی، همبستگی بین مؤلفه‌های زبان خارجی با وضعیت هویتی افراد را نشان می‌دهد. بر این مبنا، رابطه بین تسلط به زبان خارجی با میزان هویت فردی، و هویت ملی مورد تأیید قرار گرفته است. براساس نتایج تحقیق، هر چند تسلط بر زبان خارجی، هویت فردی افراد را ارتقاء بخشیده است، در مقابل نقش منفی در ارتباط با هویت ملی افراد ایفا نموده است.

از سوی دیگر، براساس نتایج تحقیق رابطه بین متغیر احساس نیاز به زبان خارجی با میزان هویت فردی افراد ($r=0/227$) در سطح اطمینان 95 درصد مورد تأیید قرار گرفته است. علاوه بر آن، با توجه به یافته‌های تحقیق، وجود همبستگی مثبت و معنادار بین استفاده ابزاری از زبان خارجی با میزان هویت فردی و هویت فرهنگی پاسخ‌گویان تأیید شده است. همچنین، رابطه بین میزان تلاش برای یادگیری زبان خارجی با هویت فردی و هویت اجتماعی افراد نشان داده شده است. در نهایت، وجود همبستگی مثبت و معنی‌دار بین علاقه به زبان خارجی با میزان هویت اجتماعی و هویت فرهنگی تأیید شده است. در مجموع، مطالعه تطبیقی نتایج تحقیق در ارتباط با رابطه بین هر یک از مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی با انواع هویت نشان می‌دهد هویت ملی افراد با رابطه با میزان تسلط بر زبان خارجی کم‌ترین اثرپذیری از مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی را به خود اختصاص داده است. در مقابل، رابطه بخش عمده‌ای از مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی (4 مؤلفه) با هویت فردی افراد بیان‌گر تأثیرپذیری این نوع هویت از یادگیری زبان خارجی می‌باشد. به‌طور کلی، براساس یافته‌های تحقیق رابطه بین مؤلفه‌های زبان خارجی با ابعاد مختلف هویت تا حد زیاد مورد تأیید قرار گرفته است.

با مرور مباحث نظری و تحقیقات انجام شده در ارتباط با رابطه بین زبان و هویت، نتایج تحقیق با رویکردهای رایج شده توسط صاحب‌نظران و نتایج تحقیقات محققین قرابت و همخوانی دارد. وارث‌سوار (2003) زبان را به عنوان یکی از کلیدی‌ترین عناصر شکل‌گیری هویت انسان‌ها قلمداد نموده است. گیدنز (1374) با تأکید بر نقش زبان در شکل‌گیری، ثبت و بیان تجربه جمعی و تکوین حافظه تاریخی ملت‌ها، رابطه زبان و هویت اجتماعی و

ملی را مورد تأیید قرار داده است. برگر و لوکمان (1375) با توجه به نقش زبان در پیوند حوزه‌های درون واقعیات زندگی در یک مجموعه معنی‌دار کلی، بر نقش هویت بخشی زبان به ویژه هویت ملی تأکید نموده است. از سوی دیگر، در پژوهش‌های متعددی از جمله در تحقیق هال (1997) و وودوارد (1997)، واکمن، دوگی، هال، جینز، کلی و نگس (1997) نقش زبان بر شکل‌گیری هویت فردی افراد مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است.

از دیدگاه بلوم و کامپرز (1972) افراد با استفاده از هر یک از زبان‌هایی که بر آن مسلط هستند به‌طور دائم هویت خود را می‌سازند. لامبرت و گارنر (1982) با مطالعه یادگیرندگان زبان خارجی در کشورهای کانادا، آمریکا و فیلیپین به این نتیجه رسیدند که در جریان یادگیری زبان خارجی، یادگیرنده به نوعی تلاش دارد تا خود را با گروه فرهنگی زبان دوم ادغام نموده و جزئی از آن شود. در مقابل، مطالعه نورتون (2000) رابطه متقابل زبان خارجی و هویت زبان آموزان را نشان داده است. از یک‌سو، هویت زبان آموزان بر یادگیری زبان خارجی تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، سرمایه گذاری در یک زبان خارجی موجب یادگیری طیف گسترده‌ای از منابع سمبلیک و مادی و ارتقاء سرمایه فرهنگی و هویت افراد می‌گردد.

فهرست منابع

- آلپورت، گوردن دبلیو، جونز، ادوارد دی‌ای (1371)، *روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون*، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ابوطالبی، ابوتراب (1377)، بیگانگی اجتماعی: بررسی تعلقات ارزشی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران: *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- احدی، حسن، محسنی، نیک‌چهر (1382)، *روان‌شناسی رشد*، تهران: نشر بنیاد.
- ایمان، محمدتقی (1381)، عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی، *فصلنامه علمی پژوهشی زنان*، شماره 44 و 45، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا.
- بارت، مارتین (1381)، شکل‌گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی، ترجمه محمود شهابی، *رشد آموزش علوم اجتماعی*، دوره جدید، شماره 2.
- باطنی، محمدرضا (1374) *همبستگی زبان و اجتماع مسایل زبان‌شناسی نوین*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه.
- باوند، کیوس (1377)، *تاریخ تطبیقی باستانی ایران تا خاتمه شاهنشاهی داریوش سوم*، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- برگر، پیتر؛ لوکمان، توماس (1375)، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- بیدگلی، محمدرضا (1376) *حقوق بین الملل عمومی*، چاپ یازدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- پیترگیل، تراد (1376) *زبان‌شناسی اجتماعی*، در *آمدی بر زبان و جامعه*، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: نشر آگاه.
- تاجیک، محمدرضا (1379)، روشنفکر ایرانی و معماری هویت ملی، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، شماره 5.
- توسلی، غلام عباس (1371)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- جنکینز، ریچارد (1381)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- چلبی، مسعود (1378)، *میزگرد وفاق اجتماعی (2)*، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال نخست، شماره 1.
- ربانی، جعفر (1381)، *هویت ملی*، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- رجائی، فرهنگ (1373)، *هویت و بحران هویت ایرانی*، *مجله جامعه سالم*، شماره 24.
- روسانی، شاپور (1385)، *زمینه‌های اجتماعی هویت ملی*، تهران: مرکز بازناسایی اسلام و

- ایران (انتشارات باز)، چاپ دوم.
- ریتزر، جورج (1377)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دنیای معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی
- شرفی، محمدرضا (1381)، *جوان و بحران هویت*، تهران: انتشارات سروش.
- شفرز، برنهارد (1384)، *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- شیخاوندی، داور (1380)، *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- صنیع اجلال، مریم (1384)، *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، مقدمه و پاورقی استاد شهید مطهری، تهران: شرکت افست، سهامی عام.
- عالم، عبدالرحمن (1373)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی
- عبداللهی، محمد (1374)، *بحران هویت و هویت جمعی دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران*، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- علاقه‌بند، علی (1380)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، نشر روان، تهران.
- فالک، جولیا (1373)، *زبان‌شناسی و زبان*، ترجمه خسرو غلامعلی زاده، آستان قدس رضوی
- قرایی مقدم، امان‌الله (1382)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ابجد، تهران.
- کاتم، ریچارد (1371)، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات کویر
- کوزر، لوئیس (1377)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی تهران: انتشارات علمی
- کاستلز، مانوئل (1380)، *جامعه شبکه‌ای و عصر اطلاعات*، جلد دوم: قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات طرح نو.
- گل‌محمدی، احمد (1381)، *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت*، تهران: نشر نی.
- گودرزی، حسین (1384)، *گفتارهایی درباره زبان و هویت*، مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی
- گیدنز، آنتونی (1374) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی (1378)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لک، منوچهر (1384)، *بازتاب کارکرد هویت‌بخش زبان فارسی در شعر؛ مطالعه موردی سبک خراسانی و عراقی*، در: گودرزی، حسین (1384)، *گفتارهایی درباره زبان و هویت*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- لک، منوچهر (1385)، *رویکردی به گونه‌شناسی شعر ملی در عصر مشروطه*، در:
- گودرزی، حسین (1385)، *گفتارهایی درباره انقلاب مشروطه و هویت ملی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- مجتهدزاده، پیروز (1377)، *هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم، اطلاعات سیاسی-*

- اقتصادی*، سال دوازدهم، شماره 129-130.
- مرشدی‌زاده، علی (1379)، نگرش نخبگان آذری نسبت به هویت ملی و منطقه‌ای، *پایان‌نامه* دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- مظفر، محمدرضا (1366)، *منطق*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهیمنی، محمدعلی (1379)، *گفتگوی تمدن‌ها*، تهران: نشر ثالث.
- نیکلسون، رینولد (1374)، *تصوف انسانی و رابطه انسان و خدا*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر سخن.
- نیومایر، فردریک جی (1378)، *جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی*، ترجمه اسماعیل فقیه تهران: نشر نی.
- هال، رابرت (بی تا) *زبان و زبان‌شناسی*، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: بی نا. چ
- یوسفی، علی (1380)، روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره 8، سال دوم.
- Bakhtin, Mikhail (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays* (trans.) Michael Holquist and Caryl Emerson. Austin: University of Texas Press (originally published 1975).
- Blom, J. P. and Gumperz, J. J. (1972). Social Meaning. In J. J. Gumperz and D. Hymes (Eds.) *Directions in sociolinguistics*. New York: Rinehart and Winston.
- Blom, Jan-Petter; John J. Gumperz (1972), "Social Meaning in Linguistic Structures: Code Switching in Northern Norway", in J. J. Gumperz and D. Hymes, *Directions in Sociolinguistics*, New York: Holt, Rinehart, and Winston
- Boon, J. A (1982). *Other Tribes, Other Scribes: Symbolic Anthropology in the Comparative Study of Cultures*, Histories, Religions and Texts, Cambridge, Cambridge University Press.
- Castells, M. (1997). *The power of Identity*. Malden, MA: Blackwell.
- Cohen, A. P (1985). *The Symbolic Construction of Community*, London, Tavistock.
- DuGay؛ Hall ؛Janes ؛Mackay ؛Negus (1997). *Doing Cultural Studies. The Story of the Sony Walkman*. London: Sage. p. 7-40, 125-128
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Hal, S. (1991) *The Local and the Global, in A. King, Culture, Globalization and the world-system*, New York, State University of New York at Binghamton.
- Hall, K. (1996). Cyberfemenism. In S. C. herring (Ed.) , *CMC: Linguistic, social, and cross-cultural perspectives*. CPP. 147 – 170. Amsterdam: Benjamins.
- Heller, M. (1982). Language, Ethnicity , and politics in pubec , *unpublished Dissertation*, University of California.

- Hymes, D. (1975). *Communicative competence*. OUP.
- Jacobson, J. (1998), *Islam in Transition*. London: Rutledge.
- Lam, W. S. E. (2004). 'second language socialization in Bilingual classrooms: Global and local considerations'. *Language learning and technology*, 8(3),pp. 44-65.
- Lippi-green, K. (1997). *English with an accent*. New York: Rout ledge.
- LUKMANI, Y. (1982): "Motivation to Learn and Language Proficiency", *Language Learning*, 22, 261-73
- Norton, B. (1997). Language, identity, and the ownership of English. *TESOL Quarterly*, 31(3), 409-429.
- Norton, B. (2000). Writing assessment: Language, meaning, and marking memoranda. In A. Kunnan (Ed.), *Fairness and validation in language assessment* (pp. 20-29). New York: Cambridge University Press.
- *Oxford Advanced Learners Dictionary* (2001).
- Sapir, Edward (1933, 1949) The Psychological Reality of Phonemes (original title: Laréalité psychologique des phonèmes). 1933. *Journal de Psychologie Normale et Pathologique* 30. 247-265. 1949. David G. Mandelbaum, ed. Edward Sapir: Selected Writings in Language, Culture and Personality. Berkeley: University of California Press. 46-60.
- Schwartz, Seth J. (2005), a New Identity for Identity Research: Recommendation for Expanding and Refocusing the Identity Literature, *Journal of Adolescent Research* (20), Sage Publication.
- Smith, Peter B & Bond Michel, H. (1993), *Social Psychology across Centuries*, London: Oxford University Press.
- Warschauer, M. (2003). The Allures and illusions of Modernity. *Education policy Archives*, 11(38) .